

صدای نایبانیان در جامعه امروز



در آستانه «روز جهانی نایبانیان» یا همان «روز عصای سفید»، این شماره از ویژه‌نامه «چاردیواری»، رنگی از محبت، همدلی و احترام به خود گرفته. ما تلاش کرده‌ایم به بهانه این روز، روایت‌هایی را گرد هم بیاوریم که نه بر پایه ترجم که بر مبنای احترام و تجربه‌های واقعی شکل گرفته‌اند.

در گفت‌وگویی صمیمی با یکی از مسئولان حوزه توانبخشی و بهزیستی، درباره حمایت از معلولان در جامعه پرسیده‌ایم. او با زبانی روشن از ضرورت متناسب‌سازی شهرها صحبت کرد؛ از پیاده‌روها و حمل‌ونقل عمومی گرفته تا مدرسه، دانشگاه و محیط‌های کاری و در عین حال تأکید کرد که حمایت از معلولان وظیفه یک نهاد یا سازمان خاص نیست، بلکه مسئولیتی جمعی است که همه مادران سهمیم هستیم.

در بخش دیگری از این شماره، بای صحبت فردی نشستیم که خود تجربه زیسته نایبانیایی را دارد. او در ایران درس خوانده و سختی‌ها و امیدهای تحصیل در دانشگاه را تجربه کرده اما بعد از پایان تحصیلات به خارج از کشور رفته است. روایتش از روزهای دانشجویی، از نبود کتاب‌ها و فایل‌های آموزشی در دسترس، از موانع شهری و از نگاه‌های ترحم‌آمیز، تلخ اما واقعی است. او می‌گوید استقلال فقط با امکانات نیست که به‌دست می‌آید بلکه بیش از هر چیز به احترام و نگاه برابر نیازمند است.

در ادامه به سراغ سینما هم رفتیم. مرور چند فیلم ایرانی مانند گل‌های داوودی، رنگ خدا، شیدا و از کرخه تا راین به ما یادآوری می‌کند که هنر چه نقش بزرگی در فرهنگ‌سازی دارد. سینما می‌تواند کلیشه‌ها را بشکند، نایبانیان را نه به عنوان موضوع ترحم بلکه به عنوان انسان‌هایی کنشگر و توانمند نشان دهد و نگاه ما را در زندگی روزمره تغییر دهد. این شماره از چاردیواری، تلاش کرده نه فقط مشکلات نایبانیان را فهرست کند، بلکه راه‌هایی برای تغییر نشان دهد؛ از زبان سیاست‌گذاران گرفته تا صدای یک فرد نابینا که تجربه‌اش را با ما در میان گذاشته است. پیام همه این روایت‌ها روشن است؛ تغییر از رفتارهای کوچک آغاز می‌شود؛ از ایستادن پشت خط عابر گرفته تا توضیح دادن یک تصویر در کلاس. اگر هر کدام از ما سهم کوچک خود را به‌درستی ادا کنیم، جامعه‌ای برابر و مهریان‌تر خواهیم ساخت.

روز جهانی عصای سفید، به ما یادآوری می‌کند که جهان برابر با قانون و زیرساخت آغاز می‌شود و با تمرین همدلی و احترام ادامه پیدا می‌کند. برای یک‌بار هم که شده امروز و اینجا، دنیا را با چشم دل ببینید.

شهید آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی از علمای مبارز و روحانیون برجسته معاصر بود که سال‌ها در مسیر خدمت به اسلام و مردم گام برداشت.

او در شهرستان خمینی‌شهر اصفهان به دنیا آمد و از کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت. با جدیت علمی، مراتب اجتهاد را بیمود و به‌عنوان یکی از شاگردان برجسته امام خمینی (ره) شناخته شد. پس از انقلاب اسلامی، امام او

از مدرسه علمیه تا محراب خونین



زندگی در شهری که برای همه طراحی نشده، برای نایبانیان هرروز نوعی مبارزه است. از پیاده‌روهایی که ناکهان به تنه درخت یا جدول خیابان ختم می‌شوند تا پل‌هایی که رمپ و مسیر ایمن ندارند، همه‌چیز گواه آن است که میلمان شهری ما هنوز برای حضور فعال افراد دارای اختلال بینایی آماده نیست. هرچند در سال‌های اخیر اقداماتی برای مناسب‌سازی فضاهای عمومی انجام شده اما هنوز مسیر روشنی در پیش نیست و نایبانیان با چالش‌های فراوانی در تردد، اشتغال و دسترسی به خدمات شهری روبه‌رو هستند.

افراد دارای معلولیت بینایی بخشی از سرمایه انسانی ارزشمند جامعه‌اند؛ افرادی تحصیل‌کرده، توانمند و باانگیزه

چند نفر از افراد دارای معلولیت و به‌طور خاص معلولیت بینادی تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند؟

در حال حاضر حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از افراد دارای معلولیت تحت پوشش حوزه معاونت توانبخشی سازمان قرار دارند که از این تعداد، حدود ۲۵۴ هزار نفر دارای اختلالات بینایی با شدت‌های مختلف هستند؛ از کم‌بینایی گرفته تا نابینایی شدید و خیلی شدید. فرآیند دریافت خدمات برای افراد دارای معلولیت در بهزیستی هم این‌گونه است که نخستین مرحله برای هر فرد، حضور در کمیسیون‌های پزشکی توانبخشی است. در این کمیسیون‌ها نوع و شدت معلولیت فرد بررسی و تأیید و سپس براساس آن، فرد از خدمات مختلف سازمان بهره‌مند می‌شود.

سازمان بهزیستی چه برنامه‌هایی در زمینه پیشگیری از معلولیت‌های بینایی دارد؟

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ما، طرح غربالگری اختلالات بینایی و تنبلی چشم در کودکان است. این طرح حدود ۳۰ سال است که در کشور اجرا می‌شود و گروه هدف آن کودکان ۳ تا ۶ سال هستند. هر کودک در این بازه سنی، سه نوبت غربالگری می‌شود تا در صورت وجود هرگونه اختلال بینایی، به‌موقع شناسایی و درمان شود؛ چون این اختلالات اگر زود تشخیص داده شوند، قابل درمان هستند و می‌توان از بروز معلولیت‌های بینایی پیشگیری کرد.

سال گذشته توانستیم حدود ۸۵ درصد از کودکان ۶ تا ۶۳ سال کشور را غربالگری کنیم و معمولاً هر سال همین میزان پوشش را داریم. از زمان آغاز اجرای این برنامه در سال ۱۳۷۵ تا کنون، حدود ۶۲ میلیون کودک مورد غربالگری قرار گرفته‌اند. در مجموع این غربالگری‌ها، حدود دو میلیون کودک دارای اختلال بینایی شناسایی شده‌اند و حدود ۴۱۱ هزار کودک نیز تنبلی چشم داشته‌اند. خوشبختانه با تشخیص و مداخله به‌موقع، بسیاری از این کودکان بینایی خود را حفظ کرده‌اند و از بروز معلولیت‌های بینایی در آینده پیشگیری شده است. البته، خدمات غربالگری برای همه کودکان رایگان انجام می‌شود. همچنین خانواده‌های نیازمند در صورت تشخیص اختلال بینایی، از کمک‌هزینه عینک، درمان یا جراحی‌های لازم برخوردار می‌شوند. بهزیستی وضعیت این کودکان را تا ده سال بعد نیز پیگیری می‌کند تا از بهبود کامل و عدم بازگشت مشکل مطمئن شویم.

یکی از برنامه‌های پیشگیری سازمان بهزیستی، در حوزه اختلالات ژنتیکی است؛ لطفاً در این زمینه توضیح دهید.

یکی از برنامه‌های مهم ما پیشگیری از بروز معلولیت‌های ژنتیکی است. در این طرح، خانواده‌هایی که خود یا بستگان‌شان دارای معلولیت هستند یا در معرض ریسک بالای تولد فرزند دارای معلولیت قرار دارند، برای مشاوره ژنتیک به مراکز بهزیستی مراجعه می‌کنند.

را به‌عنوان امام جمعه کرمانشاه منصوب کرد و او با حضور در این شهر به محور همدلی و انسجام اجتماعی تبدیل شد. زندگی او سرشار از سادگی و فروتنی بود. هرگز به مال و مقام دل نیست و با مردم همچون یکی از جنس خودشان زندگی کرد. خاطره‌ای که بسیاری از اهالی کرمانشاه هنوز از وی به یاد دارند، ساده‌زیستی اوست.

می‌گویند روزی وقتی یکی از اهالی قصد داشت هدیه‌ای

که در حوزه‌های مختلف عملکرد درخشانی دارند. با این حال، سهم آنان از بازار کار و فرصت‌های شغلی بسیار اندک است. نگاه‌های سنتی و باورهای اشتباه درباره توانمندی این افراد، بزرگ‌ترین مانع در برابر حضورشان در محیط‌های کاری است.

جامعه هنوز یاد نگرفته که نابینایی به‌معنای ناتوانی نیست. امروز که در آستانه روز جهانی عصای سفید قرار داریم، زمان آن رسیده که نگاه‌ها از سطح شعار فراتر رود. خدمت به افراد دارای معلولیت بینایی نباید فقط در یک روز از سال خلاصه شود. آنها نه نیازمند ترجم‌اند و نه درخواست امتیاز ویژه دارند؛ تنها می‌خواهند جامعه، شهر و قانون، آنها را همان‌گونه که هستند، بپذیرد و مسیر زندگی را برای‌شان هموار کند. برای روشن‌شدن زوایای مختلف این موضوع با افروز صفاری‌فرد، مدیرکل پیشگیری از معلولیت‌ها و تفریق اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت‌وگویی داشتیم که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید.

در این فرآیند، مشاوره تخصصی و کمک‌هزینه انجام آزمایش‌های ژنتیک در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد. این آزمایش‌ها به شناسایی ژن‌های معیوب کمک می‌کنند تا از بروز معلولیت در نسل بعد پیشگیری شود. خانواده‌هایی که فرزند معلول دارند نیز می‌توانند با حصول اطمینان از سلامت جنین در بارداری‌های بعدی، تصمیم‌گیری آگاهانه‌تری داشته‌باشند.

پس از تأیید نوع معلولیت در کمیسیون‌های پزشکی، چه خدماتی در اختیار افراد نابینا و کم‌بینا قرار می‌گیرد؟

بعد از تأیید معلولیت، خدمات توانبخشی به افراد ارائه می‌شود. ما مراکز روزانه‌ای داریم که برای خانواده‌هایی که کودک نابینا دارند، خدمات آموزشی و توانبخشی ارائه می‌کنند؛ از جمله آموزش جهت‌یابی، تقویت سایر حواس، افزایش استقلال فردی و آموزش فناوری‌های کمکی. البته تعداد این مراکز در همه شهرستان‌ها زیاد نیست، چرا که تأسیس آنها نیازمند مشارکت بخش خصوصی است. در حال حاضر، سازمان بهزیستی برای هر فرد تحت پوشش این مراکز، یارانه ماهانه بین ۴ تا ۵۵ میلیون تومان پرداخت می‌کند تا بتوانند خدمات آموزشی، نرم‌افزاری، فناوری‌های نوین توانبخشی، مشاوره خانواده و آموزش مهارت‌های زندگی را دریافت کنند. همچنین، وسایل کمک توانبخشی ویژه نابینایان و کم‌بینایان نیز به‌صورت مستمر ارائه می‌شود؛ از جمله عصای سفید، ساعت گویا و بریل، تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، برجسته‌نگار، درشت‌نما و ذره‌بین. افراد می‌توانند از طریق مددکار خود درخواست این وسایل را ثبت کنند تا در اختیارشان قرار گیرد.

در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و هنری چه برنامه‌هایی دارید؟

سازمان بهزیستی برنامه‌های هنردرمانی متنوعی برای افراد دارای اختلال بینایی دارد. این برنامه‌ها شامل نمایش درمانی و موسیقی درمانی است و مربیان هنری آموزش دیده در این حوزه فعالیت می‌کنند. در حال حاضر، ۹ گروه نمایشی از نابینایان در حال آماده‌سازی برای شرکت در جشنواره‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند.

علاوه بر آن، در مجتمع فرهنگی نابینایان رودکی، کتاب‌ها و منابع آموزشی مورد نیاز دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا به‌صورت کتاب گویا یا بریل تولید می‌شود. این خدمات کمک کرده بسیاری از افراد دارای اختلال بینایی بتوانند وارد دانشگاه شده و از منابع آموزشی مورد نیازشان بهره‌مند گردند.

در قالب طرح توانمندسازی نابینایان، آموزش‌های متنوعی ارائه می‌شود؛ از جمله آموزش مهارت‌های شغلی، روان‌شناختی، کار با کامپیوتر، ورزش و مهارت‌های ارتباطی. این آموزش‌ها باعث افزایش

ارزشمند به او بدهد، با لبخندی مهربان گفت: «اگر می‌خواهی مرا خوشحال کنی، به همسایه فقیرت کمک کن. خوشی من در شادی مردم است.»

او سرانجام در محراب نماز جمعه کرمانشاه توسط منافقین به شهادت رسید. شهادتش که همواره از خدا طلب عاقبت به‌خیری داشت، به‌عنوان نمونه‌ای از عاقبت نیک یک عالم عامل در تاریخ ماندگار شد.

در گفت‌وگو با افروز صفاری‌فرد، مدیرکل پیشگیری از معلولیت

اشتغال، چالش

چگونه می‌توان نگاه جامعه

اقداماتی انجام شده است؟

سازمان بهزیستی تلاش کرده منابع مطالعاتی مورد نیاز نابینایان را به‌صورت کتاب‌های گویا و بریل در اختیارشان بگذارد. با این حال، لازم است کتابخانه‌ها و مراکز علمی کشور هم در این زمینه فعال‌تر شوند تا دسترسی افراد نابینا به منابع آموزشی افزایش یابد. اگر محل کار یا تحصیل این افراد به لحاظ فیزیکی و نرم‌افزاری مناسب‌سازی شود، آنها می‌توانند مانند سایر افراد، کاملاً مستقل کار کنند. استفاده از نرم‌افزارهای ویژه نابینایان در سیستم‌های کامپیوتری، وابستگی آنها را به دیگران کاهش می‌دهد و استقلال شغلی‌شان را تقویت می‌کند.

آیا برنامه‌های ویژه‌ای برای افراد دارای معلولیت بینایی ساکن در روستاها دارید؟

حدود یک‌سوم جامعه هدف ما در روستاها زندگی می‌کنند. این افراد از برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه استفاده می‌کنند که شامل خدمات آموزشی، ورزشی و فرهنگی است. در این طرح، برنامه‌هایی مانند ورزش‌ها و بازی‌های بومی-محلی نیز برای نابینایان روستایی برگزار می‌شود. سال گذشته حدود ۱۰۰ نفر در این برنامه‌ها شرکت کردند. لازم به ذکر است، یکی از رویکردهای مهم ما آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی اجتماعی در زمینه توانمندی‌های نابینایان است. این‌کار از طریق انجمن‌ها، تولید موشن‌گرافی، تیزرهای آگاه‌سازی و مصاحبه‌های رسانه‌ای انجام می‌شود تا جامعه بیش از پیش با توانایی‌ها و ظرفیت‌های افراد دارای معلولیت بینایی آشنا شود.



شرایط جسمی‌اش از دایره اجتماع کنار گذاشته شود. سینما اگر با روایت‌های درست، صادقانه و انسانی سراغ این موضوع برود، می‌تواند پلی میان دنیای نابینایان و سایر افراد جامعه بسازد.



فیلم‌هایی مثل رنگ خدا، بید مجنون و... به ما نشان دادند که نابینایی پایان راه نیست، بلکه راهی تازه برای دیدن جهان است؛ دیدنی با چشم دل. اگر سینمای ایران بیش از گذشته به این موضوع توجه کند و حتی خود نابینایان در جایگاه نویسنده، بازیگر یا کارگردان قرار بگیرند، حتماً می‌توانیم شاهد آینده‌ای روشن‌تر باشیم. آینده‌ای که در آن، تصویر نابینایان بر پرده تفرهای بازنمایی واقعی و بی‌تبعیض از زندگی آنان باشد؛ نه تصویری پر از کلیشه و فاصله.

باعث تبعیض هم می‌شود.

سینما می‌تواند و باید نقشی جدی‌تر در فرهنگ‌سازی ایفا کند. وقتی روی پرده شخصیت نابینایی را می‌بینیم که با اراده، عشق و توانایی‌هایش زندگی می‌کند، نگاه ما هم نسبت به واقعیت تغییر می‌کند. در چنین شرایطی جامعه یاد می‌گیرد

که نابینایان نه افراد «کم‌توان» بلکه شهروندانی کامل هستند. روز جهانی نابینایان فرصتی است برای مسرور این مسئولیت بزرگ. این روز به ما یادآوری می‌کند که هیچ انسانی نباید به خاطر

عاشقانه روایت کرد. شخصیت نابینای فیلم، انسانی کامل بود که با تمام احساسات و امیدهایش زندگی می‌کرد و همین نگاه، کلیشه‌های قدیمی درباره نابینایی را می‌شکست.

مسیر پیش‌رو برای جامعه‌ای برابر

آثاری که از آنها نام برده شد، نشان می‌دهند سینما توانسته در مقاطع مختلف، چهره‌ای انسانی از نابینایان ارائه کند اما همچنان باید پرسید: آیا کافی بوده است؟ حقیقت این است که هنوز نابینایی و معلولیت با کلیشه‌هایی همراه می‌شود. یعنی با برای خنده و طنز به کار می‌رود یا برای برانگیختن ترحم و چنین

نگاهی نه تنها به واقعیت نزدیک نیست، بلکه



تصویر واقعی از نابینایان روی پرده نقره‌ای

فیلم «گل‌های داوودی» از اوایلین بار. این فیلم با روایت ساده و صمیمی خود نشان داد نابینایی به معنای پایان زندگی نیست، بلکه می‌تواند شکلی دیگر از زیستن باشد.

بعدها «رنگ خدا» ساخته مجید مجیدی به نقطه عطفی در این مسیر بدل شد. این فیلم قصه کودکی نابینا را روایت می‌کرد که پیوند عمیقی با طبیعت و خدا داشت. نگاه شاعرانه و معنوی این فیلم باعث شد تماشاگر نابینایی را نه به‌عنوان ضعف بلکه به‌عنوان نوعی بینش تازه ببیند. بسیاری از مخاطبان بعد از دیدن این فیلم گفتند که برای اولین‌بار توانست‌اند دنیا را با «چشم‌دل» تجربه کنند.

فیلم «بید مجنون» هم نمونه دیگری بود که از زاویه‌ای عاشقانه به نابینایی پرداخت. این فیلم نشان داد که امید و زندگی در قلب یک فرد نابینا هم جاری است و محدودیت‌های جسمی مانع احساسات انسانی نمی‌شود.

«از کرخه تا راین» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا هم زاویه دیدی اجتماعی و تاریخی داشت. چون نابینایی در این فیلم نتیجه مستقیم جنگ و سلاح‌های شیمیایی بود. تماشاگر با دیدن این فیلم، نه تنها درد جانبازان نابینا را لمس می‌کرد، بلکه به عمق رنج و ایثار آنها پی می‌برد و در نهایت «شیدا»، با نگاهی شاعرانه و لطیف، نابینایی را در دل یک داستان

امروز کمتر کسی است که نداند سینما تنها برای سرگرمی خلق نشده. هر فیلم بخشی از زندگی انسان‌ها را به تصویر می‌کشد؛ جایی که می‌توان تجربه‌های گوناگون را دید. لمس کرد و از زاویه‌ای نو به جهان نگریست. قدرت سینما در این است که می‌تواند دل‌و ذهن مخاطب را همزمان به خود مشغول سازد. وقتی تماشاگر در تاریکی سالن می‌نشیند و قصه‌ای را دنبال می‌کند، برای لحظاتی کوتاه زندگی دیگری را با شادی‌های و رنج‌هایش تجربه می‌کند و این تجربه، دنیای او را دگرگون می‌سازد.

یکی از حوزه‌هایی که سینما می‌تواند در آن بسیار تأثیرگذار باشد، مسائل جامعه معلولین است. در جامعه ما، افراد نابینا و دارای معلولیت‌های جسمی گاهی با نگاهی متفاوت دیده می‌شوند؛ افرادی که اغلب با ترحم یا فاصله‌گیری مواجهند و احترام و برابری «روز جهانی نابینایان»، معروف به «روز عصای سفید»، یادآور این است که این افراد بخشی از جامعه هستند و مانند دیگران حق دارند دیده شوند و از فرصت‌های برابر برای زندگی برخوردار باشند. سینما می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزار برای پرورش این نگاه برابر باشد.

نابینایی در آینه فیلم‌های ایرانی

در تاریخ سینمای ایران، چند فیلم شاخص وجود دارد که توانسته‌اند نابینایی را با نگاهی انسانی و دقیق به تصویر بکشند.